

آزمون علمی فقه - لمعه - پایه ۵ - مرحله اول

توجه: لطفاً با دقت به سؤالات پاسخ دهید. (هر چهار پاسخ غلط، یک نمره منفی دارد)

۱. تکسب با «بیع سلاح به دشمنان دین» چه حکمی دارد؟
 أ. یحرم فی حال الحرب □ ب. یحرم إذا كانوا کفاراً □ ج. یجوز إذا كانوا مسلمین □ د. یجوز إن أرادوا الإستعانة به علی قتال الکفار □
۲. کدام مورد از استثنائات «حرمت غنا» است؟
 أ. الغناء فی القرآن □ ب. الحداء للإبل □ ج. الغناء فی الأعراس □ د. غناء المرأة إذا لم یسمعها الرجال □
۳. یحرم التکسب بأجزاء المیتة
 أ. مطلقاً □ ب. بشرط أن تحلها الحیاة □ ج. بشرط نجاسة أصله بحسب ذاته □ د. بشرط أن تحلها الحیاة مع طهارة أصله بحسب ذاته □
۴. تکسب با کدام نوع «سگ» حرام است؟
 أ. کلب الصيد □ ب. کلب الماشیة □ ج. کلب الزرع و البستان □ د. الكلب الهراش □
۵. بایع فضولی، گوسفند مالک را می‌فروشد و مالک، بیع را اجازه نمی‌دهد. مشتری برای نگهداری از گوسفند هزینه می‌کند و نفعی هم به او نمی‌رسد و از فضولی بودن بایع مطلع نبوده. این هزینه بر عهده کیست؟
 أ. مالک □ ب. بایع فضولی □ ج. مشتری □ د. حاکم شرع □
۶. کدام قید در تعریف «غیبت اصطلاحی» ضروری است؟
 أ. قولی (گفتاری) باشد نه اشاره‌ای □ ب. صریح باشد نه تعریضی و کنایه‌ای □ ج. به دلیل دشمنی با غیبت شونده باشد □ د. غیبت شونده در واقع متصف به آن ویژگی باشد □
۷. ضابطه «حرمت تکسب با مسکرات» چیست؟
 أ. إن لم یفرض لها منفعة محللة □ ب. إن قصد بیعها المنفعة المحرمة □ ج. إن لم یفرض لها منفعة محللة أو قصد بیعها المنفعة المحرمة □ د. إن لم یفرض لها منفعة محللة و قصد بیعها المنفعة المحرمة □
- * لو باع الحمام الطائر أو غیره من الطيور المملوكة لم یصح إلا أن تقضى العادة بعوده.
 ۸. عبارت، به کدام شرط از شروط صحت عقد مربوط است؟
 أ. کون المبیع ممّا یملك شرعاً □ ب. القدرة علی تسلیم المبیع □ ج. کون المبیع طلقاً □ د. العلم بالمبیع وصفاً و قدراً □
۹. در کدام مورد، عقد بیع صحیح است؟
 أ. بیع المکره مطلقاً □ ب. بیع الصبی مطلقاً □ ج. بیع المکره بعد زوال إکراهه □ د. بیع الصبی برضاه بعد بلوغه □
۱۰. از نظر مصنف حکم «دخان النجس» و دلیل آن چیست؟
 أ. طاهر لاستحالاته □ ب. طاهر لأصل البراءة □ ج. نجس للاستصحاب □ د. نجس لاشتغال الدخان علی أجزاء النجس □
۱۱. لو باع الفضولیّ ملکه مع ملک الغیر و لم یجز المالك البیع
 أ. یصح البیع مطلقاً □ ب. یصح البیع فی ملکه و یبطل فی ملک الغیر □ ج. یصح البیع فی ملکه و یتوقّف فی ملک الغیر علی إجازته □ د. یبطل البیع مطلقاً □
۱۲. اگر مالک اصلی، بیع فضولی را اجازه ندهد و مبیع قیمی در دست مشتری تلف شود، کدام قیمت ملاک پرداخت خسارت است؟
 أ. قيمة المبیع يوم انعقاد البیع □ ب. قيمة المبیع يوم أخذه □ ج. قيمة المبیع يوم عدم الإجازة □ د. قيمة المبیع يوم التلف □

* یشرط فی صحّة البیع کون المبیع ممّا یملک شرعاً.

۱۳. بر اساس شرط مذکور در عبارت، کدام بیع صحیح است؟

- أ. بیع الحرّ ☐ ب. بیع الخنافس ☐ ج. بیع المباحات قبل الحیازة ☐ د. بیع لبن المرأة ☐

۱۴. حکم «بیع وقف عام» چیست؟

- أ. یبطل مطلقاً ☐ ب. یبطل إلّا إذا لم یکن الانتفاع به فی الجهة المقصودة ☐ ج. یصحّ مطلقاً ☐ د. یصحّ إلّا مع عدم رضاء الموقوف علیهم ☐

۱۵. در کدام صورت، جواز بیع ثمره (میوه) اجماعی است؟

- أ. بیع الثمرة قبل ظهورها ☐ ب. بیع الثمرة بعد بدو صلاحها ☐ ج. بیع الثمرة بعد ظهورها قبل بدو صلاحها ☐ د. بیع الثمرة بعد ظهورها مطلقاً ☐

۱۶. در چه کالایی «احتکار» ثابت نیست؟

- أ. الحنطة ☐ ب. التمر ☐ ج. السمن ☐ د. اللحم ☐

۱۷. بیع کدام عبد، باطل است؟

- أ. المنفذ فی الحوائج ☐ ب. الآبق المتعدّر تسلیمه مع الضميمة ☐ ج. الآبق المتعدّر تسلیمه بلا ضميمة ☐ د. الآبق الذی قدر المشتري علی تسلّمه ☐

۱۸. کدام گزینه درباره «الأجرة علی القضاء بین الناس» صحیح است؟

- أ. یحرم التکسّب بالقضاء مطلقاً ☐ ب. یحرم التکسّب بالقضاء إذا تعین علیه ☐ ج. یحرم التکسّب بالقضاء إذا احتاج إلى الأجرة ☐ د. لایجوز للقاضی الرزق من بیت المال ☐

* یُتخلّص من الربا بالضميمة إلى الناقص لتکون فی مقابل الزیادة.

۱۹. آیا در ضمیمه شرطی وجود دارد؟

- أ. یشرط فی الضميمة أن تكون من الأعیان ☐ ب. یشرط فی الضميمة أن تكون من النقدين ☐ ج. یشرط فی الضميمة أن تكون ذات وقع فی مقابلة الزیادة ☐ د. لایشترط فی الضميمة شیء [إلّا کونه مالاً] ☐

* بایع به مشتری اطلاع می دهد که کالا را به قیمت ۱۰۰ تومان از بازار تهیه کرده است. سپس نصف کالا را به قیمت ۵۰ تومان به مشتری می فروشد.

۲۰. نام این بیع در اصطلاح فقها چیست؟

- أ. مرابحه ☐ ب. تولیه ☐ ج. مواضعه ☐ د. تشریک ☐

* لو اشتری [المشتري] ما یراد طعمه أو ربحه من غیر اختبارٍ ولا وصفٍ بناءً علی الأصل جاز مع العلم به من غیر هذه الجهة.

۲۱. منظور از «الأصل» در عبارت مذکور چیست؟

- أ. اصل برائت ☐ ب. اصل استصحاب ☐ ج. اصل صحت و سلامت کالا ☐ د. اصل صحت عقد ☐

* عقد البیع هو الإيجاب و القبول الدائنان علی نقل الملك بعوض معلوم.

۲۲. با قید «الدائنان علی نقل الملك» کدام عقد از «تعریف بیع» خارج می شود؟

- أ. ودیعه ☐ ب. هبه ☐ ج. وصیت به مال ☐ د. معاطات ☐

* لایصحّ البیع بحکم أحد المتعاقدين.

۲۳. «حکم أحد المتعاقدين» به چه معناست؟

- أ. تعیین ثمن واگذار شود به بایع یا مشتری بعد از عقد ☐ ب. تعیین نوع بیع واگذار شود به بایع یا مشتری بعد از عقد ☐ ج. بیع معلق شود بر رضایت بایع یا مشتری ☐ د. بیع مشروط شود به شرط مورد تأیید بایع یا مشتری ☐

۲۴. شرط کراهت «تلقی رکبان» چیست؟

- ا. الخروج بأزيد من أربعة فراسخ ☐ ب. الخروج بقصد غنهم ☐ ج. جهل الركب بالسعر في البلد ☐ د. علم الركب بالسعر في البلد ☐

۲۵. اگر مشتری، مبيع (مثلاً میوه) را قبل از خرید مشاهده کرد اما هنگام خرید شک کرد مبيع، تغيير کرده يا نه، حکم اين خريد - بدون توصيف مبيع از جانب بايع - چیست؟ چرا؟

- ا. يصح لأصالة البقاء ☐ ب. يصح لقاعدة سلطنة الناس الناس على أموالهم ☐ ج. يبطل لحصول الجهالة في المبيع ☐ د. يبطل أصالة عدم ترتب الأثر ☐

۲۶. زيد ادعا می کند که عمرو ۱۰۰ تومان از او قرض گرفته و حیوانش را رهن گذاشته؛ ولی عمرو قرض و رهن را انکار می کند. حکم مسأله چیست؟

- ا. يُقَدَّم قول زيد مع يمينه ☐ ب. يُقَدَّم قول عمرو مع يمينه ☐ ج. يتحالف زيد و عمرو فيحكم بالقرض و الرهن بمقدار النصف ☐ د. يجب على زيد و عمرو المصالحة ☐

۲۷. مشتری حیوانی می خرد. قبل از قبض حیوان، عیبی در آن حادث می شود (مثلاً بر اثر زلزله، پای حیوان معیوب می شود) حکم مسأله چیست؟

- ا. مشتری فقط حق «فسخ بيع» را دارد ☐ ب. مشتری فقط حق «دریافت خسارت» را دارد ☐ ج. مشتری حق «فسخ بيع» و «قبول بيع با دریافت خسارت» را دارد ☐ د. مشتری ملزم به «قبول بيع بدون دریافت خسارت» است ☐

* إن اشترى ما يفسد باختياره كالبيض - من غير اختبار و لا وصف - ثم ظهر فاسداً بعد كسره و لم يكن لمكسوره قيمة

۲۸. حکم فرع مذکور در عبارت و دليل آن چیست؟

- ا. يبطل البيع لجهالة المبيع ☐ ب. يبطل البيع لأن الثمن ☐ ج. يصح البيع لأصالة الصحة في العقود ☐ د. يصح البيع لحصول العلم بالمبيع حين العقد ☐
- لا يقابله مال ☐

۲۹. اگر مبيع، حیوان باشد و در زمان ثبوت خيار برای مشتری عیبی در آن حادث شود، آیا مشتری حق فسخ بيع و رد حیوان به بايع را دارد؟ به چه ملاکی؟

- ا. يجوز الرد بأصل الخيار لا بالعيب ☐ ب. يجوز الرد بالعيب لا بأصل الخيار ☐ ج. يجوز الرد بأصل الخيار و العيب ☐ د. لا يجوز الرد لأن العيب الحادث مانع ☐

۳۰. اگر بايع یک ظرف غسل را بفروشد که مجموعاً یک كيلو وزن دارد به گونه ای که مبيع مجموع غسل و ظرف باشد، حکم بيع چیست؟ به چه دليل؟

- ا. يصح البيع لحصول العلم بمجموع المبيع ☐ ب. يصح البيع لحصول العلم بجزء المبيع و هو العسل ☐
- ج. يبطل البيع لحصول الجهالة بمقدار كل جزء ☐ د. يبطل البيع لاختلاف الجزئين في الثمن ☐

* پس از بيع مرابحه مشخص می شود که بايع در اخبار به قيمت مبيع دروغ گفته است (مثلاً کالا را ۹۰ تومان خريده اما به مشتری گفته ۱۰۰ تومان خريدم).

۳۱. از نظر مصنف حکم مسأله چیست؟

- ا. يبطل البيع من أصله ☐ ب. للمشتري رد المبيع فقط ☐
- ج. للمشتري حفظ المبيع و أخذ الزيادة (۱۰ تومان) ☐ د. يتخير المشتري بين «رد المبيع» و «حفظه بالثمن الذي وقع عليه العقد» ☐

۳۲. بيع «مزايينه»، چه نوع بيعی است؟

- ا. بيع الثمرة على أصولها بجنسها ☐ ب. بيع العنب على أصوله بالزبيب ☐ ج. بيع الرطب على أصوله بالتمر ☐ د. بيع السنبلي بالحنطة ☐

* زيد و عمرو مالک دو گوسفند به نحو مشاع و به نسبت مساوی هستند. قيمت یکی از گوسفندا ۱۰۰ تومان و دیگری ۹۰ تومان است.

۳۳. آیا ربا در تقسيم اين مال مشترک جایز است؟ چرا؟

- ا. لا يجوز الربا هنا لأنه محرم مطلقاً (في المعاوضات و غيرها) ☐ ب. لا يجوز الربا هنا لأن القسمة معاوضة ☐
- ج. يجوز الربا هنا لأنه مما لا بد منه في القسمة ☐ د. يجوز الربا هنا لأن القسمة ليست بيعاً و لا معاوضة بل تمييز الحق عن غيره ☐

۳۴. در چه صورت «اقاله در زمان خیار» ثمره فقهی دارد؟

- ا. إذا قلنا بأن الإقالة عقد ☐ ب. إذا قلنا بأن الإقالة بيع ☐ ج. إذا قلنا بأن الإقالة من ذی الخیار تُثبِتُ للخیار ☐ د. إذا قلنا بأن إسقاط الخیار یختصّ باللفظ ☐ جدید ☐

* قال المصنّف: الرهن وثيقة للدين؛ و فيه على تقدير عدم إضافة «الدين» إلى المرتهن إمكان الوثيقة بدون الرهن.

۳۵. کدام مورد، مثال برای تحقق «وثیقه بدون رهن» نیست؟

- ا. بدهکار مالی را به عنوان ودیعه نزد طلبگار می‌گذارد ☐ ب. بدهکار مالی را به عنوان عاریه به طلبکار می‌دهد ☐ ج. طلبکار بر مالی از اموال بدهکار تسلط و وضع ید پیدا می‌کند ☐ د. بدهکار، طلبکار را وکیل در تصرف در اموالش می‌کند ☐

* ظاهر المصنّف أنّ الصیغة بلفظ القبالة و یملک المُتقبِّل الزائد و یلزمه لو نقصَ.

۳۶. عبارت مذکور از فروع کدام مبحث است؟

- ا. تقبّل الثمرة على أصولها مطلقاً ☐ ب. تقبّل الزرع قائماً ☐ ج. تقبّل أحد الشريكين بحصة صاحبه من الثمرة ☐ د. بيع المحاقلة ☐

۳۷. بيع الثمرة على أصولها بجنسها

- ا. يجوز مطلقاً ☐ ب. لا يجوز مطلقاً ☐ ج. يجوز في ثمرة النخل خاصة ☐ د. لا يجوز في ثمرة النخل خاصة ☐

* إذا كان لزيد في ذمة عمرو دينارٌ فيشتري زيدٌ من عمرو بالدينار عشرة دراهم في ذمته و يؤكّله في قبضها في الذمة

۳۸. حکم بیع و قبض در فرع مذکور چیست؟

- ا. البيع و القبض باطلان ☐ ب. البيع و القبض صحیحان ☐ ج. البيع صحیح و القبض باطل ☐ د. البيع باطل و القبض صحیح ☐

۳۹. آیا تفاضل (و ربا) در بیع طلا در مقابل طلا یا بیع نقره در مقابل نقره جایز است؟

- ا. لا يجوز التفاضل مطلقاً ☐ ب. يجوز التفاضل مطلقاً ☐ ج. لا يجوز التفاضل إلّا إذا اختلفا في الجودة و الرداءة ☐ د. لا يجوز التفاضل إلّا إذا كان أحدهما مكسوراً و الآخر صحيحاً ☐

۴۰. رهن گذاشتن بر کدام مورد، صحیح نیست؟

- ا. القرض ☐ ب. ثمن المبيع ☐ ج. الدية بعد استقرار الجنایة ☐ د. مال الجعالة قبل ردّ الضالّ إلى الجاعل ☐

۴۱. مرتهن با اذن یا اجازه رهن، عین مرهونه را قبل از حلول اجل دین می‌فروشد. حکم مسأله چیست؟

- ا. يبطل بيع العين و تبقى العين رهناً ☐ ب. يبطل بيع العين و يبطل الرهن من العين و الثمن ☐ ج. يصح بيع العين و يبطل الرهن من العين و الثمن ☐ د. يصح بيع العين و يبقى الثمن رهناً ☐

* لو باع بنصف دينار فشقّ إلّا أن يراد نصف صحيح عرفاً أو نطقاً.

۴۲. منظور از «شق» در عبارت چیست؟

- ا. نصف یک دینار کامل به نحو مشاع ☐ ب. نصف یک دینار کامل به نحو معین ☐ ج. بخشی از یک دینار کامل ☐ د. نصف دینار که جدا از یک دینار است ☐

* إذا باع تراب معدنٍ ذهبٍ بتراب معدنٍ ذهبٍ آخر و علم زیادة الثمن عمّا في التراب من جنسه

۴۳. حکم فرع مذکور و دلیل آن از نظر مصنف چیست؟

- ا. يصح البيع لأن التراب يكون في مقابلة الزائد ☐ ب. يبطل البيع لأن التراب لا قيمة له ليكون في مقابلة الزائد فيحصل الربا ☐ ج. يصح البيع لأن المبيع مجموع الذهب و التراب ☐ د. يبطل البيع للجهاالة في العوضين ☐

۴۴. آیا ربا بین «مسلمان» و «کافر حربی» جایز است؟

- ا. يجوز مطلقاً ☐ ب. يجوز إذا أخذ المسلم الزيادة ☐ ج. يجوز إذا كان الحربی فی دارالحرب ☐ د. لا يجوز مطلقاً ☐

*الرهن لازم من جهة الراهن حتّى يخرج عن الحقّ ب

۴۵. در چه صورتی عین مرهونه از رهانت (گرو بودن) خارج می‌شود و راهن حقّ گرفتن و تصرف در آن را پیدا می‌کند؟

- ا. بأداء الدين من قبل الراهن أو متبرّع ☐ ب. بضمان الغير للدين مع قبول المرتهن ☐
ج. بإبراء المرتهن للراهن من الدين ☐ د. ببراءة ذمّة الراهن من الدين مطلقاً (بالأداء أو الضمان أو غيرهما) ☐

۴۶. راهن عاجز از پرداخت دین شده و به مرتهن وکالت در بیع عین مرهونه داده است؛ به نظر مصنف آیا جایز است مرتهن، عین مرهونه را برای خودش بخرد؟

- ا. يجوز مطلقاً ☐ ب. لا يجوز مطلقاً ☐ ج. يجوز إذا شراه بأكثر من ثمن المثل ☐ د. يجوز إذا مات الراهن ☐

۴۷. هزینه نگهداری از عین مرهونه بر عهده کیست؟ چرا؟

- ا. المؤونة على الراهن لأنّه المالك ☐ ب. المؤونة على الراهن لأنّه ينتفع بالرهن ☐
ج. المؤونة على المرتهن لأنّه ينتفع بالرهن ☐ د. المؤونة عليهما بالسوية لأنهما ينتفعان بالرهن ☐

۴۸. رهن، عقد لازم است یا عقد جایز؟

- ا. لازم من الطرفين ☐ ب. جائز من الطرفين ☐ ج. لازم من طرف الراهن جائز من طرف المرتهن ☐ د. لازم من طرف المرتهن جائز من طرف الراهن ☐

۴۹. آیا رهن گذاشتن کالایی که قبل از فرا رسیدن زمان دین فاسد می‌شود صحیح است؟

- ا. صحیح بشرط بیعه و رهن ثمنه ☐ ب. صحیح بشرط ضمیمه ما لا یفسد ☐ ج. باطل مطلقاً ☐ د. باطل بعد فساد ☐

۵۰. آیا با مرگ مرتهن، عقد رهن باطل می‌شود یا حق رهانت (گرو گرفتن) به ورثه او منتقل می‌شود؟ چرا؟

- ا. يبطل الرهن لوجوب الوفاء بالعقود ☐ ب. يبطل الرهن لأنّه إذن فی التصرف فيقتصر فيه على من أذن له ☐
ج. ينتقل حقّ الرهانة إلى الورثة لأنّه عقد لازم من طرف الراهن ☐ د. ينتقل حقّ الرهانة إلى الورثة لأنّ الرهن كالوكالة و الوصية ☐